



Linguistic Research in the Holy Quran

Vol. 15, No. 3, 2026

Research Paper

The Rhetorical Structure of the Holy Qur'an: A Study of Surahs Al-Baqarah, Al-Nahl, Al-Naml, Al-Ankabut, and Al-Fil

Sakineh Abbasi *, Mohammad Amir Mashhadi

Assistant Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan. Iran
Professor of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan. Iran

Abstract

The core structure of religious education is oppositional in nature, involving the confrontation between good and bad, and between good and evil. On the other hand, the means of transmitting religion inevitably require a combination of direct and indirect expression, and the most effective model for such transmission is speech. In this framework, one party is the addresser (speaker), and the other is the addressee (audience), with the speech text serving as the link between them. In religious discourse, as found in scriptural traditions, followers are invited to perform good actions and refrain from bad ones, which are conveyed through sub-narratives and allegories with multiple purposes, delivering the message indirectly. The findings show that in the speech pattern (ranging from zero to eight structural parts), the beginning and end of the speech emphasize its thematic core. The addressees appear either directly in the second-person singular and plural forms, or indirectly, referring to the Prophet (PBUH), specific tribes, followers of other religions, or previous prophets, who are addressed from opposing perspectives. Furthermore, in explaining and persuading the audience, parables and relevant portions of prophetic narratives—appropriate to the context and situation—are employed. The message of these surahs extends beyond the immediate topic of discussion. Rather, through a powerful thematic unity, they establish guidance in contrast to misguidance. The audience of the revealed messages is also trans-temporal and trans-spatial, and can be considered a macro-audience.

Keywords: Holy Quran, Speech, Signs, Narrative, Message.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/nrgs.2026.142596.1990>

بررسی ساختار ریتوریکایی قرآن کریم (بر اساس سور مبارکه بقره، نحل، نمل، عنکبوت و فیل)

سکینه عباسی*^۱، محمدمیر مشهدی^۲

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

s.abbasi31@lihu.usb.ac.ir

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

mashhadi@lihu.usb.ac.ir

چکیده

ذات ساختار تربیت دینی تقابلی است؛ تقابل نیکی و بدی و خیر و شر. از سوی دیگر، ابزار انتقال دین لامحاله نیازمند ترکیب بیان مستقیم و غیرمستقیم است و بهترین الگو برای چنین انتقالی خطابه است. در این شیوه، یکی خطاب‌گر است و یکی خطاب‌گیرنده (مخاطب) و متن خطابه عامل پیوند طرفین است. در خطابه دینی که در تمدن‌های نوین بشری، مبتنی بر کتاب آسمانی دیده می‌شود، از گروندگان دین دعوت می‌شود کاری را انجام دهند (نیکی) یا عملی را ترک کنند (بدی). در پژوهش حاضر، سوره‌های قرآنی که نام حشرات یا حیوانات دارند، از نظر ساختار خطابه‌ای بررسی شده‌اند. برای این منظور، پس از بررسی ساختار روایی هر کدام، نشانه‌ها و گفتمان سوره‌ها بررسی شده‌اند. حاصل کار نشان می‌دهد در الگوی صفر تا هشت‌بخشی خطابه‌ها، آغاز و پایان خطابه محور موضوعی آن را تأیید می‌کند؛ مخاطبان به صورت مستقیم، دوم شخص مفرد و جمع یا به صورت غیرمستقیم پیامبر (ص)، برخی قبایل یا پیروان ادیان یا پیامبران پیشین هستند که در دو قطب تقابلی مورد خطاب قرار می‌گیرند. الگوی بزرگ این خطابه‌ها بافتی کهکشانی دارد؛ به این معنا که برای تفهیم موضوع به مخاطب، بخش‌های مستقل خطابه آورده شده‌اند و به مقتضای بحث و حال مخاطب، بخش‌هایی از قصص پیامبران پیشین بیان می‌شوند، نه کل سرگذشت ایشان. نیز در تبیین و اقناع مخاطبان، از تمثیل و بخش‌هایی از قصص پیامبران پیشین که مقتضای حال و مقام است، بهره برده شده است. پیام سوره‌ها فراتر از موضوع بحث است، اما در یک وحدت موضوعی بسیار قدرتمند، هدایت و مقلبل آن، گمراهی، را اثبات می‌کنند. مخاطبان پیام‌های وحی نیز فرازمانی و فرامکانی هستند و می‌توان آنها را کلان-مخاطب خواند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، خطابه، نشانه، روایت، پیام.

۱- بیان مسأله

لحاظ درک یکسان نیستند و پیوسته جوامع در حال رشد و توسعه و پیشرفت بوده‌اند، آموزش و تعلیم و تربیت نیازمند سبک و شیوه‌ای از سخن است که این امر مهم را برای انسان سامان بخشد. اسلوب و صنعتی که در علم

زندگی اجتماعی انسان ایجاب می‌کند سخن بگوید و سخن گفتن اجتماعی وابسته به میزان درک و شعور مخاطب است. به این دلیل که افراد در سطح جامعه، به

منطق به وسیله ذهن انسان ساخته و پرداخته شده خطابه بوده است؛ از این رو، «خطابه ابزار بستر ساز رشد معنوی انسان و تکامل او بوده است» (ابن‌سینا به نقل از ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۹۸، ص ۲۶۱). خطابه، علاوه بر کاربرد در امر آموزش (از هر نوع که باشد)، در مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ضرورت دارد که هدفشان تأثیرگذاری عمومی باشد. با توجه به ساختار زندگی فردی و اجتماعی بشر، همه جوامع در حال ورود به مدنیت و شکل‌گیری تمدن، توجه و اهتمام به خطابه را اساس کار خود قرار داده‌اند. در این خصوص، ایرانیان، اعراب و یونانیان به داشتن خطابه اشتها دارند.

خطابه در اولین تعریف یا توصیف، اختراع یا تولید اقناع است (ارسطو به نقل از گمپرتس، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۶۷). در ادوار بعد، اغراض دیگری را نیز در بر داشته است. آنچه در خطابه همواره اهمیت داشته صحت یا سقم سخن نبوده، بلکه «مهارت» خطیب در انتقال منظور بوده است. فلاسفه یونان، بعدها پس از ارائه تعریف دقیق از سخن، جوانبی همچون ارتباط لوگوس با عقل، احساس، تخیل و صور بیان را مطرح کردند. کهن‌ترین انواع خطابه «قضایی»، «سیاسی» و «نمایشی» هستند. شکل اخیر در آیین‌ها و جشن‌های عمومی پدید آمد و کارکرد آن عمدتاً مدیحه‌سرایی برای خدایان و بزرگان بود (ر.ک: دیکسون، ۱۳۸۹، ص ۱۱).

برای خطابه و ساختار آن هفت بخش در نظر گرفته شده‌اند؛ «سرآغاز» که همان پیش‌گفتار یا دیباچه یا مدخل است. در این بخش، به طور مستقیم یا غیرمستقیم (از راه قصه و ابزار دیگر)، مخاطب یا شنونده را در فضای ذهنی مناسب قرار می‌دهند. بخش دوم «روایت» است که بیان اجمالی حقایق را در بر می‌گیرد. در بخش سوم خطابه، «گزاره» بیان می‌شود که عبارت است از بیان هدف اصلی خطابه یا طرح موضوع و مسأله مشخص برای حاضران. «تقسیم یا تفکیک» بخش چهارم خطابه است که معمولاً مستقل نیست و با بخش سوم ادغام می‌شود و بخش‌های

مختلف را توسط خطیب مشخص می‌کند. مهم‌ترین بخش خطابه «اثبات» است که هسته گفتار را در بر می‌گیرد. در بخش ششم، «ابطال» قرار می‌گیرد که شامل رد یا بی‌اعتبار کردن استدلال‌های مخالف است. در «پایان» خطابه، جمع‌بندی، تقویت بحث و توسل بیان می‌شود (دیکسون، ۱۳۸۹، صص ۳۴-۳۶).

لحنی که برای خطابه انتخاب می‌شود، گاه «مناظره‌ای»، گاه «محاوَره‌ای و مبتنی بر دیالوگ و گفت‌وگو» و گاه لحنی «مؤکد» است. لحن محاوَره‌ای آرام، متین و فاخر است؛ لحن مناظره‌ای کش‌دار و عتاب‌آلود و لحن مؤکد، مناسب پایان‌بندی است و به قصد تأکید آنچه در خطابه اثبات شده است، به کار می‌رود (صفوی، ۱۳۹۰، ص ۱۲). در شاهنامه فردوسی و تاریخ طبری، زمانی که پادشاهان پیشدادی و کیانی تاج‌گذاری می‌کردند، خطبه می‌خواندند. این خطبه‌ها مشتمل بر توصیف خرد و عدل و داد، وعده نیکوکاری به مردم و پندها و توصیه‌هایی به کارگزاران درباره مملکت‌داری بوده‌اند (تفضلی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۸).

اعراب جاهلی نیز خطابه داشته‌اند و با اشتیاق آن را به کار می‌برده‌اند. موضوع‌های خطابه‌های جاهلی عبارت بودند از: حماسه، صلح، مفاخره، دعوت به فضیلت، دعوت به وحدت عربی، رثا و عزا، وصایا و ازدواج (ابوزهره، ۱۹۳۴م، صص ۸-۱۱). هر قبیله‌ای خطیبانی داشت. آنها در منزلت با شاعران برابر بودند و استعداد خطابه، استعدادی خارق‌العاده تلقی می‌شد، تا آنجا که برخی از قبایل معتقد بودند تا خطیب قبیله‌ای نمیرد، جانشین وی بر نمی‌خیزد؛ یعنی استعداد و ملکه آن به این منتقل می‌شود (ابن‌قتیبه به نقل از ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۹۸، ص ۲۷۰).

با وجود بهره‌بردن ایرانیان و اعراب از فن خطابه، در بحث تدوین و نقد ادبی، یونان به وضع فن خطابه اشتها دارد. کتاب فن خطابه^۲ ارسطو مبین مبانی نظری فن خطابه در یونان باستان به شمار می‌رود. البته پیش از او نیز در یونان خطابه بسیار اهمیت داشته است و آن را به ویژه در

آرای افلاطون می‌توان یافت. به جز آنها، آثاری همچون رساله «خطیب» و رساله «پروتوس» از مهم‌ترین آثار نوشته شده توسط سیسرون (۱۰۶-۴۳ ق.م)، متفکر رومی، هستند که مورد توجه مسلمانان بوده‌اند. با توجه به قدمت خطابه در میان ایرانیان و اعراب (پیش و پس از اسلام) و گسترش دانش متفکران و فلاسفه یونان از راه سنت ترجمه در میان مسلمانان (ایرانی و عرب)، بدیهی است که مسلمانان نیز تحت تأثیر سنت‌ها و شیوه‌های ساخته شده یونان در خطابه، سواي روش‌های سنتی خود بوده باشند.

در میان ساختارهای موجود فرهنگی، ساختار تربیت دینی در بیشتر موارد مبتنی بر الگوی منطقی خطابه است؛ به این معنا که یکی «خطاب‌گر» است و دیگری «مخاطب» یا خطاب‌گیرنده» و همواره «متنی» وجود دارد که همان متن خطابه است. در این ساختار، حکمی یا قانونی یا هر چیز دیگری با مقدمه‌ای برای مخاطب شرح داده می‌شود و برای تقریب به ذهن و تفهیم بحث، از «مثال» و «تمثیل» (داستانی یا روایی و غیر آن) بهره برده می‌شود.

اندکی تأمل در کتب مقدس ادیان مختلف الگوی خطابه‌ای این کتب را آشکار می‌کند؛ به گونه‌ای که برای تحریک مردم به انجام کاری (بشارت) یا ترک عملی (انذار)، از طریق تحریک عواطف یا اقناع ایشان سخنی بیان می‌شود (نیز بنگرید به: الیاده، ۱۴۰۲، ص. ۲۱۴).

برای این منظور، در کتب مقدسی همچون تورات، انجیل و قرآن کریم، نمونه‌هایی فاخر از کلام وحی با ساختار خطابه قابل بررسی هستند. طرف خطاب در کتب مقدس یا «فرد و گروهی خاص» است یا به «عامه مردم» اشاره دارد. در اینجا، سخنوری بر اساس منطق خطابی صورت می‌گیرد که مبتنی بر حجج صناعی و غیرصناعی است.

توضیح این نکته ضروری است که قرآن کریم با هدف خطابه صرف نازل نشده است، بلکه برای تبیین اهداف مقدس خود که همان هدایت بشر در راستای تکامل است، این ابزار مؤثر بیانی را در کنار سایر ابزار سخنوری به کار برده است. از این نظر، تبیین ساختار و تحلیل آن و

نوع‌شناسی ادبی قرآن صرفاً برای تقریب به ذهن و سهولت مطالعه است. برخی از پژوهشگران بافت روایی قرآن را مبتنی بر اسلوب «داستان در داستان»^۳ تعبیر کرده‌اند؛ یعنی داستانی که در دل داستان یا ماجرای (حقیقی یا تمثیلی) بزرگ‌تر می‌آید و کارکرد توضیحی، مضمونی و کنشی دارد (حرّی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۵-۲۲۶).

معیارهای به‌کاررفته در بررسی سوره‌های پنج‌گانه قرآن که با نام حیوانات یا حشرات هستند (بقره، نمل، نمل، عنکبوت و فیل) از نظر ساختاری (حجم و لندازه کلام و طریقه قرارگرفتن بخش‌های خاص در کنار هم) و از نظر محتوایی در پرتو حقیقت‌مانندی و واقع‌گرایی هستند.

از این رو، در این پژوهش به پرسش‌های زیر پاسخ داده خواهد شد:

۱- ساختار خطابه در سوره‌های قرآنی که با نام حشرات و حیوانات پیوند دارند، چه پیوندی با محتوای آنها دارد؟

۲- گفتمان خطاب‌گر نسبت به خطاب‌گیرنده با چه ابزاری بیان شده است؟

۳- ابزارها و نشانه‌های استفاده‌شده در پیام سوره‌ها کدام‌اند؟

این نوع بررسی پاسخ به نگرش ساده‌اندیشانه و سطحی برخی از پژوهشگران مستشرق و نیز آموزش نسل جوان در خصوص شبهه پراکندگی آیات سور قرآنی است. با اکتشاف در «ساختار خطابه‌ای» قرآن به طور کلی و «ساختار روایی» آن به طور جزئی، روح کلی حاکم بر سور به دست می‌آید. چنین پژوهش‌هایی به فهرست‌بندی مخاطب‌شناسانه پژوهشگران کمک می‌کنند تا با مفاهیم قرآنی آشنایی توسعی بیابند؛ به این صورت که مخاطب پیش از ورود به بحث مطالعه هر سوره، طرحواره کلی و منطقی سوره را درمی‌یابد، به ویژه اگر سوره طولانی باشد؛ چنانکه پنج سوره آغازی قرآن کریم است. در حوزه شواهد و مثال‌ها نیز، مخاطب درخواهد یافت تمثیل‌های بیان‌شده شأن نزول مشخص دارند و درآمیختگی محتوایی

با سوره‌های پیش و پس از خود ندارند.

۲- پیشینه پژوهش

مطالعه و نقد درباره خطابه، کارکرد آن، فواید، کاربرد و اهداف و نیز پیوند آن با ادبیات، قدمت زیادی دارد و در غرب، به آثار فلاسفه یونان مانند افلاطون (۲۶۶ یا ۲۶۴ ق.م.) در رساله «فایدروس»، ارسطو (۳۸۴ ق.م.) در رساله «ریتوریکا»، سیسرون (۴۳ ق.م.) در رساله «خطیب» و بروتوس و کوئینتیان (۳۵ ق.م.) در رساله ۱۲ جلدی «انسیتیوی اوراتوریا» بازمی‌گردد. در شرق، اعراب پیش از اسلام مردمانی بسیار سخنور بوده‌اند و اطلاعات فراوانی درباره خطابه‌های اعراب عصر جاهلی در کتب معتبر ادبی و تاریخی نقل شده است، مانند آنچه در دوره اسلامی در روایات قبيلة اصمعی (۲۱۶هـ)، جاحظ بصری (۲۵۵هـ) و ابن‌قتیبه (۲۷۶هـ) در کتاب‌هایشان درج شده است.

در میان نقدهای شناخته‌شده دوره‌های نو، کتاب خطابه نوشته پتر دیکسون (۱۳۸۹) درخور توجه است که درباره تعاریف خطابه و اهداف و کاربرد آن در گذشته و حال نوشته شده است. در میان کتاب‌هایی که به آداب سخنوری توجه داشته‌اند، جواهر البلاغه نوشته احمد هاشمی (۱۳۸۶) دارای اهمیت است که اساس سخنوری را توجه به منطق خطابه دانسته است. از پژوهش‌های دیگر این حوزه، کتاب‌های مبانی نظری خطابه نوشته محمدعلی حسینیان (۱۳۹۲) و فن خطابه نوشته علی نظری منفرد (۱۳۸۸) در پیوند با خطابه‌های دینی شناخته شده‌اند که به مسأله پیوند ادبیات و خطابه توجه نکرده‌اند.

تا کنون، درباره نقد ریتوریکی کتاب مقدس، پژوهش‌هایی مهم انجام شده‌اند. این مطالعات در دو گروه بوده‌اند؛ دسته اول، تحلیل ریتوریکی کتاب مقدس بر پایه سبک‌شناسی است که در آن، منتقدان بیشتر ارزیابی و طبقه‌بندی صناعات بلاغی را بررسی کرده‌اند. در این دسته، صناعات ادبی و آرایه‌های بلاغی آیات، بخش‌های مختلف

کتاب مقدس بدون در نظر گرفتن تأثیر آنها بر مخاطب و چگونگی کمک آنها به فهم متن نقد شده‌اند. دسته دوم، بر پایه اصول خطابه، به کتاب مقدس توجه داشته‌اند. این گروه معتقد هستند باید به بافت تاریخی متن (موقعیت ریتوریکی) در بررسی متن کتاب مقدس اهمیت داد؛ زیرا کتاب مقدس حاصل روایت پیروان پیامبران بنی‌اسرائیل است و از تحریف بشری در امان نمانده است. رویکرد منتقدان غربی به آنها رویکردی انسان‌گرایانه است، حال آنکه کتاب مقدس قرآن، کلام الهی است که تا ابد از تحریف در امان است؛ زیرا دستور خداوند است: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» (حجر ۹). از این رو، نوع نگاهی که منتقد غربی مسیحی یا یهودی به کتاب مقدس دارد با نوع نگاه منتقد مسلمان متفاوت است.

درباره کتب مقدس دنیا با دید نقد ریتوریکی، پژوهش‌هایی انجام شده‌اند. در جهان غرب، به ویژه تورات و انجیل و روایت‌های گوناگون آنها از این نظر بررسی شده‌اند. درباره ریتوریکا در مبحث قرآن پژوهی، آن تلقی از ریتوریک که در معنای بلاغت است، بررسی شده است. در بیشتر این پژوهش‌ها، مؤلفه‌های زبانی سوره‌های مختلف واکاوی شده‌اند و گاه گفتمان آنها نیز بیان شده است.

به طور خاص، درباره نزدیکی ادبیات و خطابه، پیشینه مطالعات به آرای نورتروپ فرای (۱۹۱۲-۱۹۹۱م) بازمی‌گردد. وی در کتاب تحلیل نقد، ریتوریکای نشر غیرادبی را بررسی کرده است. در میان مقاله‌های مرتبط با نقدهای ریتوریکایی در پیوند با قرآن و کتب مقدس، «اهمیت نقد ریتوریکی و اهمیت آن در نقد ادبی» نوشته احمدی (۱۳۹۶) و «استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی» نوشته کرد زعفرانلو و همکاران (۱۳۸۹) جالب توجه هستند. در سایر آثار، به کتب مقدس از جمله قرآن نگاه بوطیقایی (مبتنی بر ساختار روایی) شده است.

در میان پژوهش‌های غیرفارسی، نمونه‌هایی قابل ملاحظه از بررسی ریتوریکایی سوره‌های مختلف قرآن

خطابه را فنی دانسته‌اند که همه ابزارهای زبانی از صناعات گوناگون همچون تمثیل، تشبیه، استعاره، اغراق، جناس و موارد دیگر را به کار می‌گیرد تا به مقتضای حال و مقام، مخاطب را اقناع کند^۵ (ارسطو، ۱۳۹۲، صص ۲۴۴-۲۴۵). از این رو، بلاغت غربی ریتوریک (یعنی همان پیوند خطابه با بلاغت) است که به منظور تحت تأثیر قرار دادن مخاطب و در نتیجه، اقناع او گفته شده باشد (شمیسا، ۱۳۸۹، صص ۱۸-۲۴).

نقد ریتوریکی در ابتدا تلفیقی از توجه به خطابه و بلاغت است و به هدف اقناع مخاطب توجه داشته است. پس از احیا و نوزایی، برخی از نظریه‌پردازان آن را تجزیه و تحلیل کلام خطابی می‌دانند و برخی دیگر آن را بررسی انواع گوناگون کلام قلمداد می‌کنند. دسته اول، به تحلیل متونی می‌نشینند که عملاً اقناعی و به طور سنتی خطابی هستند، مانند مواعظ، خطابه‌های دادگاه‌ها، مناظره‌ها، جدل‌ها و مانند آنها. اما گروه دوم طیفی گسترده از ارتباطات را بررسی می‌کنند و ابعاد خطابی آن را مورد توجه قرار می‌دهند. در رویکرد دوم، ناقدان ریتوریکی تقریباً از تمام روش‌ها و شیوه‌های همه مکاتب و تمام رهیافت‌های انتقادی نو از جمله ساختارگرایی، نقد خواننده‌محور و... بهره می‌گیرند (احمدی، ۱۳۹۶، ص. ۸۰). نیز از رشته‌هایی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، زبان‌شناسی و زیبایی‌شناسی نیز استفاده می‌کنند (Abrams & Calt Harpham, 2012, pp. 344-345).

در میانه قرن ۲۰م، منتقدان نقد ریتوریکی متوجه شدند غیر از متون یادشده، آثار ادبی نیز اقناعی هستند و مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ اما اقناع آنها فرایندی منطقی و عقلانی نیست که با برهان همراه باشد، بلکه فرایندی است که با توصیف، تشبیه و دیگر صنایع ادبی، احساسات و عواطف مخاطبان را برمی‌انگیزد (Corbett, 1969, p. 18). منتقدان نقد ریتوریکی که آثار ادبی را مطمح‌نظر داشتند، تمام حالات روانی مخاطب در اثنای خواندن اثر ادبی، شامل لذت و اندوه تا حسرت و غرور — که ارسطو آن را کاتارسیس

دیده می‌شوند. عمده این پژوهش‌ها به توصیف ابزار سخنوری در سوره‌ها، فارغ از ساختار آنها، توجه کرده‌اند. دانداس^۶ با کتاب درباره فولکلور در قرآن کریم (۲۰۰۳)، مستنصر میر با ویژگی‌های سبکی قرآن (۱۳۸۶)، ابوالفضل حرّی با ژانر روایی و قصه‌های قرآنی (۱۳۸۵) و علی معموری با تحلیل ساختار روایت در قرآن (۱۳۹۲)، به ساختار روایی قرآن توجه داشته‌اند و برخی از قصص و تمثیل‌های موجود را بررسی کرده‌اند.

حاصل بررسی پیشینه اینکه پژوهش‌های ادبی در پیوند با قرآن کریم با محوریت موارد زیر انجام شده‌اند: به طور تطبیقی در پیوند با عهد عتیق و عهد جدید، بررسی تمثیل‌ها، بررسی قصص قرآنی، بررسی موضوع‌های داستانی و بررسی زبان ادبی قرآن. اما درباره ساختار خطابی قرآن پژوهشی انجام نشده است. هرگاه بحث از ریتوریکا در قرآن شده است، نیز ابزارهای زبانی و بلاغی به کاررفته در سوره‌های خاص مانند شمس، نبأ و غیره بررسی شده‌اند. در پژوهش حاضر، با نگاه ساختارگرا، طرح‌های خطابه‌ای هر سوره، همراه با روایاتی که در آن درونه شده‌اند، به عنوان ابزار کارآمد سخنوری که در میان مخاطبان عرب صدر اسلام و جاهلیت شناخته‌شده و ستوده بوده است، نیز ابزارها و گفتمان خطابه‌ها بررسی خواهند شد.

۳- رویکرد نظری پژوهش

پیوند «ادبیات» و «خطابه» در جهان، به سبب نگارش نقدها و اصول ادبی «بلاغت» از روی اصول خطابه و (سخنوری) ارسطو، توسط بلاغیون غربی تا جایی مستحکم شده است که تا دیرزمانی، ریتوریکا (با معنای خطابه) در معنای بلاغت به کار رفته است. امروزه، نقد ریتوریکی یکی از شاخه‌های مهم نقد ادبی است که از قرن ۱۹م به بعد نوزایی شد (ر.ک: احمدی، ۱۳۹۶، ص ۷۳؛ صفوی، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۷). نظریه‌های ارسطو در این باره بیشترین تأثیر را داشته‌اند. وی و متأثر از او، سایر بلاغیون،

موضوع مقاله حاضر است.

۴- بدنه اصلی مقاله

ساختار متن در سوره‌های تحت بررسی^۶ از قرآن کریم، مادر-روایتی^۷ خطابی است که بافتی خطی دارد؛ به این معنا که در خلال قانون، حکم، دستور، امر یا نهی، داستانی یا تمثیل و مثالی (ضرب‌المثل) یا تصویری (ادبی) بیان می‌شود؛ بنابراین، ساختار آموزشی مرکب از روش غیرمستقیم و مستقیم دارد. در ادامه، به منظور تحکیم منطقی بیان، با هدف انذار، شواهدی از داستان قوم پیامبرانی که نفی امر کردند، گمراه شدند و به عذاب الهی گرفتار شدند، بیان می‌شود یا با هدف تبشیر، داستان گروهی که طریق هدایت را پیمودند، نقل می‌شود. محور متن، چنانکه در بافت‌های روایی وجود دارد، بر «ادبیات» استوار نیست و کاربرد ادبی، فرع بر اقناع مخاطب است؛ به بیانی دیگر، ابتدا هدف رساندن پیامی خاص (اقناع با تحذیر، تهدید، تکریم، مدح و ذم و مانند آن) است و در این بستر، از ابزارهای ادبی (تمثیل، داستان، ضرب‌المثل و تصویر) استفاده می‌شود. از این رو، در قالب ساختاری خطی کوتاه، طولانی یا متوسط، ابتدا مقدمه بحث و سپس ابزارهای ادبی به طور موازی بیان می‌شوند (نه به شکل ماجرا در ماجرا)، سپس حاصل کلام بیان می‌شود و متن سوره به پایان می‌رسد:

۴-۱- ساختار ریتوریکی سوره‌ها

بلندترین سوره تحت بررسی «بقره» (۲۸۶ آیه) و کوتاه‌ترین سوره «فیل» (۵ آیه) است. سوره «نحل» ۱۲۶ آیه، سوره «نمل» ۹۳ آیه و سوره «عنکبوت» ۶۹ آیه دارند و نسبت به دو سوره پیشین، دارای حجم متوسط هستند.

الف) سوره مبارکه بقره

نام‌گذاری این سوره به «بقره» به دلیل بیان‌شدن داستان «گاو بنی اسرائیل»^۸ است، در حالی که محتوای سوره «تقوا»

نامیده است - را زیرمجموعه اقناع به حساب می‌آورند؛ از این رو، اثر ادبی موفق است که بیشترین تأثیر اقناعی را بر مخاطب خود داشته باشد (Corbett, 1969, p. 345).

به‌جز گروهی که به طور سنتی آثار خطابه‌ای را بررسی می‌کنند، گروه دومی نیز هستند که بررسی برداشت مخاطب و عکس‌العمل او از آثار ادبی را مهم‌تر از احوال فرستنده پیام اقناعی می‌دانند (مکاریک، ۱۳۹۰، ص ۳۶۸). دسته سوم نقد ریتوریکی را نقدی معطوف به تولید، پردازش و تأثیر فعالیت زبانی می‌دانند و ارتباط اقناعی را از جنبه‌هایی مختلف ارزیابی می‌کنند. در این رویکرد، موضع منتقد مهم‌تر از ژانر اثری است که بررسی می‌شود (Richards, 2008, p. 123). سه روش یادشده، یعنی «سنتی»، «گذارگرا» و «کثرت‌گرا»، در یک نظر با هم مشترک هستند و آن استفاده آگاهانه فرستنده از زبان یا هر نماد دیگر است. پاسخ‌گیرنده و موقعیت یا بافتی که ارتباط در آن برقرار می‌شود، همگی با تعامل با یکدیگر هستند تا افکار، احساسات، رفتار و کنش انسان را تغییر دهند (مکاریک، ۱۳۹۰، ص ۳۶۶).

با وجود این نگرش‌ها، روشی مشخص در نقد ریتوریکی وجود ندارد و آنچه هست، آن است که این نوع نقد گاه به «نقد کاربردی» نزدیک می‌شود و گاه به «نقد ساختارگرا»؛ از این رو، نقد ریتوریکی، نقدی است از کلام «مخیل اقناعی» که هدف آن تحت تأثیر قرار دادن مخاطب با استفاده از صنایع اقناعی باشد. در این نوع نگرش، منتقدان عناصری را تحلیل و ارزیابی می‌کنند که برای ایجاد انگیزش در مخاطب به کار می‌روند. اهمیت شناخت این عناصر در آن است که از طریق آن می‌توان روان‌شناسی جامعی از ذهنیت و اندیشه آفریننده و مخاطب ارائه کرد (ر.ک: احمدی، ۱۳۹۶، ص ۸۴).

با توجه به توضیحات بیان‌شده و چشم‌اندازهایی که که نقد ریتوریکی در بررسی اثر ادبی دارد، بررسی ساختار خطابه‌ای پنج سوره قرآن کریم (بقره، نحل، نمل، عنکبوت و فیل) و پیوند سازه‌های روایت آن در بافت ریتوریکی

مشرکان، طلاق، بیوه‌زنان و حقوق آنها و دوری از توجه به خانواده و همسر» آمده است.

در بخش چهارم، «عوامل حفظ و گسترش احکام دینی در جامعه» (آیات ۲۴۳-۲۸۴) در فصول سه‌گانه «جهاد با دشمنان دین، گسترش فرهنگ توحید در جامعه و سالم‌سازی روابط اقتصادی با ادله» بیان شده است؛ از این رو، در این بخش، کوشش در راستای تبیین «انفاق» و ضد آن، یعنی «ربا» و ثمرات و صدمات هر یک در جامعه، اثرات سوء پرهیز از جهاد و اثرات مثبت حمایت از امنیت سرمایه اقتصادی است.

در واپسین بخش، یعنی پنجم، «ویژگی ایمان‌آوردندگان به اسلام» (آیات ۲۸۵-۲۸۶) بیان شده که کوتاه‌ترین بخش خطابه‌ای سورۀ مبارکه بقره است. در تشریح این ساختار دینی، به منظور تحکیم پیام در ذهن مخاطب که در وهله اول، همان مسلمانان صدر اسلام هستند، بیشترین ابزار کلامی که استفاده شده «تمثیل» و «داستان» است. از آنجا که بهره‌بردن از تمثیل و داستان در کلام خطیبی متأثر از ذهن منطقی است (با توضیح اینکه تمثیل نوعی قیاس منطقی به حساب می‌آید)، در آن واحد، معنای حقیقی و استعاره‌ای با هم به مخاطب منتقل شده است. این کاربرد سبب تحسین و اعجاب در مخاطب می‌شود (نیز ر.ک: دیکسون، ۱۳۸۹، ص ۵۷).

در بخش اول سورۀ یادشده، از داستان «آدم و فرشتگان و هبوط انسان» (آیات ۳۰-۳۹) یاد شده است. در بخش دوم، داستان‌های «موسی و بنی اسرائیل» (۴۰-۹۲)، «هاروت و ماروت و جادوگران» (۱۰۲)، «ابراهیم و امتحان او برای اعجاز و همچنین مبعوث شدن وی» (۱۲۷-۱۵۰) بیان شده است. در بخش چهارم، داستان «ابراهیم و مشاهده احیای پرندگان» (۲۵۹-۲۵۸)، داستان «طالوت و جالوت» (۲۴۶-۲۵۱) و داستان «عزیر نبی» (۲۵۹) بیان شده است. بخش سوم و پنجم به دلیل ذات خود یا ویژگی ماهیتی خود که بیان قوانین اسلام و صفات مؤمنان است، فاقد تمثیل داستانی است (شکل ۱).

و تأکید بر آن است (زرکشی به نقل از خامه‌گر، ۱۳۹۸، ص ۲۷۰). هدف از نزول این سورۀ هدایت انسان و اعلام این امر است که انسان باید به همه آنچه خداوند به وسیله پیامبرانش نازل کرده است، ایمان بیاورد و تفاوتی میان رسولان قائل نشود. محتوای این سورۀ بسیار گسترده است و در آن، از اصول عقایل و احکام مسائل عبادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سخن رفته است. داستان «آدم و فرشتگان»، داستان‌هایی مربوط به «بنی اسرائیل»، داستان «حضرت ابراهیم (ع) و زنده‌شدن مردگان» و داستان «طالوت و جالوت» و داستان «هاروت و ماروت» و «عزیر (ع)»^۹، شواهد داستانی این سورۀ هستند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۴۸). این ساختار که وحدت مضمونی آن به‌دقت و هنرمندی، نسبت به احوال مخاطب بر پیامبر (ص) وحی شده است، یک ساختار ریتوریکایی پنج‌بخشی بزرگ قابل مطالعه است (ن.ک: خامه‌گر، ۱۳۹۲، ذیل سورۀ بقره).

در ساختار ۱۰ اول، «اهمیت ایمان به دین اسلام» (آیات ۱-۳۹)، در سه بخش تبیین شده است. در این بخش، دسته‌بندی انواع «مؤمن»، «کافر» و «منافق» بیان شده، در ادامه، دلایل پرستش خدای یکتا و پاداش پرستش چنین خدایی تبیین شده و دلایل نادرستی شرک شرح داده شده است.

در بخش دوم، «دعوت مخالفان به آیین اسلام» (آیات ۹۴-۱۶۲) در پنج گفتار بیان شده که با بیان داستان‌هایی متعدد از قوم یهود، وظایف این قوم در برابر اسلام، حق‌ستیزی ایشان، علل ایمان‌نیاموردن یهودیان به پیامبر (ص)، پاسخ اسلام به بهانه‌های یهودیان و در نهایت، وظایف مؤمنان و مخالفان در برابر اسلام، با بیان دلیل تشریح شده است. این بخش طولانی‌ترین ساختار ریتوریکایی قرآن است.

در بخش سوم، «برتری قوانین و احکام اسلام» (آیات ۱۶۳-۲۴۲) اصول «قصاص، وصیت، روزه، حرام‌خواری، جهاد، شیوه‌های عبادت، حج، پرهیز از اختلاف در جامعه اسلامی، جنگ در ماه‌های حرام، انفاق، شراب و قمار، یتیم، رفتار با زنان در هنگام عذر شرعی، ازدواج با

حروف مقطعه + مقدمه + ساختار اول: اهمیت ایمان به آیین اسلام

آدم و شیطان

ساختار دوم: دعوت مخالفان به آیین اسلام با تأکید بر قوم یهود

ابراهیم آزمونها
اعجاز پیامبری

هاروت و
ماروت و
جادوگران

موسی و
بنی اسرائیل

ساختار سوم: قوانین و احکام اسلام

ساختار چهارم: عوامل گسترش احکام دین

عزیر نبی

طالوت و جالوت

ابراهیم و مشاهده
احیای مردگان

ساختار پنجم: نتیجه؛ ویژگی ایمان‌آوردندگان

شکل ۱- پیوند خطابه و داستان‌ها

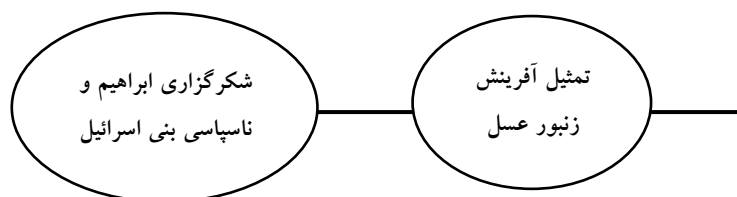
ب) ساختار ریتوریکی سوره مبارکه نحل

سوره نحل شانزدهمین سوره قرآن کریم است و وجه تسمیه آن اشاره به «نحل» و وحی کردن خداوند به آن است (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱، صص ۱۴۸-۱۵۰). موضوع محوری این سوره «شرک و توحید» است و یک ساختار ریتوریکی هشت‌بخشی است؛ اثبات توحید و یگانگی خدا، پاسخ به شبهات اعتقادی مشرکان، دلایل نادرستی عقاید شرک‌آمیز، دعوت به توحید با یادآوری نعمت‌های خدا، کیفر دشمنان دین، دعوت مشرکان به پیروی از فرمان‌های خداوند، پیامد شرک، اجتناب از حلال‌کردن محرمات و وظایف پیامبر (ص) درباره مشرکان اهم موضوع‌های این سوره هستند. در این ساختار ریتوریکایی، نعمت‌های خداوند در

جهان هستی (شامل آسمان و زمین، چهارپایان و فواید آنها، باران و فواید زمینی و آسمانی آن در کشت‌و‌زرع و باغ‌ها، شب و روز و خاصیت آن، دریا و سود و بهره آن و کوه و فواید آن) برشمرده شده‌اند و انسان‌ها دعوت‌شده‌اند تا در وهله اول، با مشاهده این نعمات، راه هدایت را در پیش گیرند. علت نام‌گذاری این سوره به نحل (زنبور عسل)، بیان کردن الهام خداوند به این «حشره» برای ساخت خانه و سامان دادن به زندگی جمعی خویش است. با استفاده از محوریت نعمت‌های الهی، دلایل توحید و عظمت خداوند شرح داده شده است. در سوره نحل، تمثیل «وحی الهی به زنبور عسل» (۶۸) بیان شده، نیز دو مثال دیگر درباره نابرابری «بنده و خداوندگار» (۷۵) و «فرد لال با فرد سخنور» (۷۶) مطرح شده و سپس به

شده‌اند که خداوند خوراکی‌های حلال خود را بر آنها حرام کرد (۱۱۸-۱۲۴) (شکل ۲).

«داستان ابراهیم (ع) بنده شکرگزار خداوند» اشاره شده است (۱۲۱-۱۲۰) و «بنی اسرائیل» کافران نعمت دانسته



مقدمه: بیان رسیدن امر الهی در پرستش و یکتایی خداوند و پرهیز از شرک
شکل ۲- ساختار ریتوریکی سورۀ نحل و تمثیل‌ها

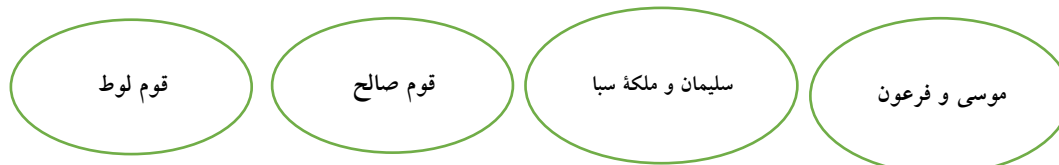
سوره عدم تأثیر معارف قرآن بر حق‌ستیزان است. این سوره دارای ساختار ریتوریکایی یک‌بخشی است. در این خطابه، ابتدا مقدمه‌ای شرح داده شده و در آن، عدم بهره بردن کافران از هدایت قرآن توضیح داده شده است؛ در ادامه، در سه گفتار به ترتیب به نمونه‌هایی از ایمان‌آوردن حقیقت‌جویان و لجاجت حق‌ستیزان، بطلان عقاید و اندیشه‌های کافران و اتمام حجت قرآن و پیامبر (ص) بر کافران اشاره شده است. در این داستان ریتوریکی، چهار داستان «موسی (ع) و معجزات او» (۷-۱۴)، «سلیمان (ع) و مورچگان و سلیمان (ع) و ملکه سبا» (۱۵-۴۴)، «صالح (ع) و قوم خویش» (۴۵-۵۳) و نیز «لوط و قومش» (۵۴-۵۸)، به عنوان تمثیل بیان شده است. در این شواهد، فقط ملکه سبا پس از مشاهده اعجاز سلیمان (ع) به خدای یکتا ایمان می‌آورد (شکل ۳).

متن اصلی خطابه در زمان حال روایی، مثال داستانی و روایی و در زمان گذشته روایی، به شیوه غیرمستقیم است و تبشیر پیامبر (ص) و انداز مشرکان در زمان آینده روایی بیان شده است.

پ) ساختار ریتوریکی سورۀ مبارکه نمل

سورۀ نمل «سلیمان/ طس» (مورچه) بیست‌وهفتمین سورۀ قرآن کریم است. وجه تسمیه این سوره اشاره به داستان مورچگان و حضرت سلیمان (ع) و عظمت این خلقت است (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۹۳) در این سوره، دو «بسم‌الله» وجود دارد؛ یکی در ابتدای سوره و دیگری در ابتدای نامه حضرت سلیمان (ع) به ملکه سبا (بلقیس) که در آیه سی‌ام آمده است. محور موضوعی این

مقدمۀ خطابه + حروف مقطعه: بهره‌نبردن کافران از هدایت قرآن



شکل ۳- ساختار ریتوریکی سورۀ مبارکه نمل

این سوره برگرفته از تمثیلی است که در آیه ۴۱ آمده است. در این آیه، خداوند کافران را به عنکبوت و خلنه

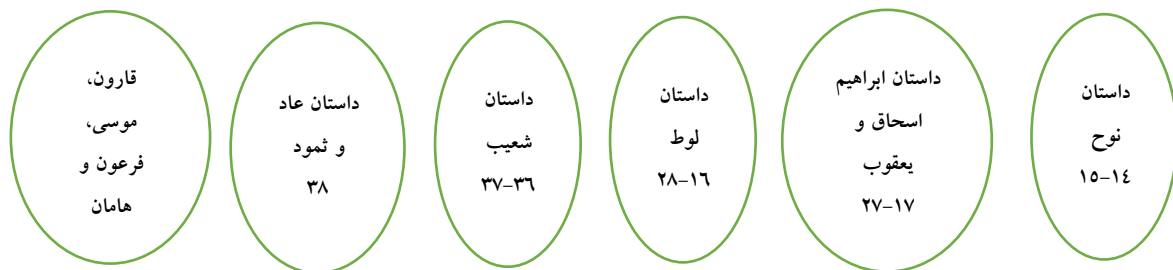
ت) ساختار ریتوریکی سورۀ مبارکه عنکبوت

سورۀ «عنکبوت» بیست‌ونهمین سورۀ قرآن است. نام

عنکبوت مانند کرده و خانه عنکبوت را سست‌ترین خانه معرفی کرده است (مکارم‌شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۶، صص ۱۹۸-۱۹۹). موضوع اصلی این سوره «سنت خداوند در آزمودن ایمان انسان‌ها» است. این سوره نیز دارای یک ساخت ریتوریکی است و در آن، پس از بیان مقدمه، سه بخش «گروه‌های مختلف در برابر آزمون الهی»، «سرانجام ایمان‌نیاموردن به پیامبران» و «آزمون مخالفان پیامبر اسلام» شرح داده شده است. در نهایت، برخورداری مجاهدان از طریق هدایت الهی تبیین شده است.

در بحث ایمان‌نیاموردن به پیامبران، شش مثال از پیروان نافرمان پیامبران پیشین بیان شده است. در اثبات این شواهد، کافران و مشرکان و منافقان را از سرگذشت نافرمانان پیشین انذار فرموده است. در ساختار ریتوریکی این سوره، زمان حال (دوره پیامبر (ص) و چالش‌های هدایت مشرکان) نیز مورد توجه است؛ از این رو، هدف این سوره دل‌داری دادن به پیامبر (ص) در امر دعوت و بیان آزمودن‌هاست؛ هم برای مشرکان، هم برای پیامبر (ص). این ساختار را می‌توان به صورت زیر ترسیم کرد (شکل ۴).

ابتدای خطبه: دل‌داری به پیامبر (ص) و سخن از ضعف سنت‌ها و بیان آزمایش الهی



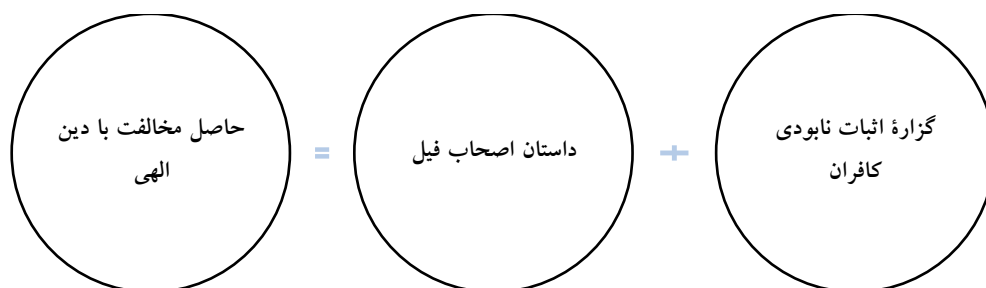
پایان خطبه: نتیجه کار کافر و مؤمن

شکل ۴- ساختار ریتوریکی سوره مبارکه عنکبوت

ث) ساختار ریتوریکی سوره مبارکه فیل

سوره مبارکه فیل یکصد و پنجمین سوره قرآن کریم است و با هدف یادآوری نشانه‌های قدرت خداوند در سرکوب دشمنان دین نازل شده است (خرم‌شاهی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۲۶۸). نام این سوره از نام داستان «فیل سواران»

اخذ شده است که به قصد تخریب خانه خداوند آمده‌اند. با وجود کوتاهی سوره، در ساختار ریتوریکی آن، به صورت تقابلی، دو نکته مهم «ناتوانی اصحاب فیل در برابر قدرت خداوند» و «قدرت خداوند در سرکوب اصحاب فیل» شرح داده شده است. این سوره فاقد مقدمه (خطابه) است (شکل ۵)



شکل ۵- ساختار ریتوریکی سوره مبارکه فیل

۴-۲- بررسی موقعیت ریتوریکی سوره‌ها در پیوند با

اجزاء

دیباچه یا مدخل سوره‌های پنج‌گانه که نام جانوران دارند، به‌استثنای سوره مبارکه فیل که بدون مقدمه و پایان است، محوریت خطبه و هدف آن را تشریح می‌کند. عنوان همه سوره‌ها از داستان یا تمثیلی مهم گرفته شده که در آن مندرج است. «اسامی سوره‌ها مانند تعداد آیات هر سوره توفیقی است و با صلاح‌دید شخص پیامبر (ص) نام‌گذاری شده است. بیشتر سوره‌ها یک نام دارند و برخی دو یا چند نام. این نام‌گذاری‌ها، مطابق شیوه عرب، با کوچک‌ترین مناسبت انجام می‌گرفته است» (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۲۷۰؛ سیوطی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۵۹). از این رو، دلایلی که در نام‌گذاری‌ها وجود دارد، هرگز وجه انحصار ندارد؛ کمترین مناسبت کافی است: «يَكْفَى فِي التَّسْمِيَةِ أَدْنَى مُنَاسَبَةٍ» (سیوطی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۱۵۹). بنابراین، گاه نام‌بردن از حیوانات و نام‌گذاری سوره به نام حیوانات به نکات اخلاقی خاص و کمالی اشاره دارد (معرفت، ۱۳۹۴، ص ۸۰) که در قالب داستانی درباره حیوانات مانند «بقره» و «فیل» و «نمل» یا مثلی درباره حیوانات مانند «عنکبوت» و «نحل» بیان شده است.

سوره بقره دیباچه‌ای گسترده‌ای دارد؛ علت مشخص

است؛ خود این سوره طولانی‌ترین سوره قرآن است. پنج بخش طولانی سوره بقره با یکدیگر پیوند مضمونی دارند. بخش اول می‌تواند مقدمه‌ای برای ساختار طولانی این سوره باشد که در آن علل فلسفی پرستش خداوند از دیدگاه اسلام مطرح شده است. در بخش دوم، وظایف مؤمن و مخالف در برابر دین به صورت خلاصه تفکیک شده و برای مثال، «بنی‌اسرائیل» و بهانه‌های احتجاج ایشان در برابر دین خدا بیان شده است. در بخش‌های سوم و چهارم، به طرزی دقیق و اعجاب‌آور، بخش‌های بسیار بنیادین اصول و فروع دین که قوم یهود پایبند به آنها نیست، از جمله واجبات، محرمات و... اثبات شده است. در نهایت نیز، بطلان باورهای مخالفان و دشمنان دین شرح داده شده است. این پنج بخش جزء روایی خطابه را تشکیل می‌دهند و هر کدام دارای تمثیل و قصص خاص خود هستند.

در این الگوی کلامی، ساختار مبتنی بر «تقابل» است؛ بدی کفر (شُرک/ جنگ با خدا/ جنگ با پیامبر (ص)) و نیکی ایمان‌آوردن به دین حق. «در ریتوریکای نثر غیرادبی، دنیای عمل اجتماعی اهمیت دارد که با عاطفه و توسل به عمل و از راه گوش مؤکد می‌شود» (فرای، ۱۳۷۷، ص ۳۸)؛ به این معنا که به قصد آموزش حکمی (قانونی)، ساختاری گسستی و ناپیوسته به مخاطب ارائه می‌شود و واکنش مخاطب را به هم می‌ریزد (شکل ۶).

قطب مثبت

وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ
وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ
وَهُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
رَبُّكُمْ عَزِيزٌ
وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

قطب منفی

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ
وَلَكِنْ لَا يَعْلَمُونَ
يَعْمَهُونَ
أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
فَتَكُونُوا مِنَ الظَّالِمِينَ

شکل ۶- نمودار تقابل‌های دوگانه

إبراهيم ... (بقره/۱۲۷) / و إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ ... (بقره/۱۳۱) / و أَذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَ أَشْكُرُوا لِي وَ لَا تَكْفُرُونَ (بقره/۱۲۵) / وَ اتَّبِعُوا مَا تُلُوا الشَّيَاطِينِ عَلَىٰ مُلْكٍ سُلَيْمَانَ (بقره/۱۰۲) / سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَكُمْ أَتَيْنَهُمْ ... (بقره/۲۱۱) / أَلَمْ تَرَىٰ إِلَىٰ أَلْمَاءٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ (بقره/۲۴۶) / أَلَمْ تَرَىٰ إِلَىٰ الَّذِينَ أَخْرَجُوا ... وَ هُمْ أُلُوفٌ ... (بقره/۲۴۳)

– قواعد و قوانین در قالب احکام اصولی و فروع دین با بیان امری تبیین شده است. بیشتر این قواعد با عبارت قراردادی «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْ...» آغاز شده و با «وَلَمَّا» دنبال شده است: «فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ ... (بقره/۲۴۹) / وَلَمَّا بَرَزُوا ... (بقره/۲۵۰).

به این ترتیب، در خلال تبیین اصول و فروع دین مبین اسلام، در راستای معرفی تنها راه سعادت بشری، مثال‌هایی از سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین، در یک مادر-روایت ریتوریکی بیان می‌شود و عدول از این طریق یا قرارگرفتن در آن و در نتیجه، حاصل آن بیان می‌شود. تفاوت بنیادین ساختار «ریتوریکی» با «روایی» بوطیقاتی (بوطیقای قصه/رمانس) در همین امر نهفته است. مقدمه ساختار ریتوریکی، برای آماده‌سازی ذهن مخاطب، با یک قانون/حکم همراه است؛ حال آنکه این سازه در مدل روایی کاملاً کلیشه‌ای و «سازه‌ای تزئینی» است (عباسی، ۱۳۹۴، ص ۷۶) در سوره بقره، این سازه معرف «کتاب حق و طریق هدایت» است؛ «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره/۲)، در ادامه، ابتدا تعریفی از «کافر و مؤمن» ارائه می‌شود و تهدید آنها برای ملت و قوم بیان می‌شود و هشدار خداوند نسبت به ایشان و خطراتی تحلیل می‌شود که در نافرمانی و گمرانی نهفته است. برای تبیین موضوع، ابتدا داستان نافرمانی فرشته‌ای (شیطان) از خداوند و اعتراض این موجودات قدسی به «خلیفه‌الهی» انسان بیان می‌شود؛ پس معلم بودن انسان در آموزش به فرشتگان تحلیل می‌شود. سپس، خطای انسان‌های نخستین (آدم ابوالبشر و حوا) و نافرمانی از امر (نهی از نزدیک‌شدن به درخت ممنوع) و در

جملات کوتاه پایان آیات که در هر بخش از بخش‌های پنج‌گانه، «نادانستگی» عنادورزان و «علیمی» خداوند را بیان می‌کند، گونه‌ای از «تکرار» در کلام را به صورت «تقابل» ایجاد کرده که بافتی موسیقایی به آن بخشیده است. این ساختار معمولاً به ذهن مخاطب نفوذ و او را آگاه می‌کند. لحن این سوره مناظره‌ای و در قطب منفی، خطاب به یک گروه (کافر/ مشرک/ فاسق/ منافق/ دشمن دین) است و به زمان حال روایی بیان شده است؛ یک‌طرفه است و پاسخ قطب منفی به زمان گذشته روایی در قالب دیالوگ غیرمستقیم ارائه شده و شکلی عتاب‌آلود دارد. این گروه «لَا يَعْلَمُونَ»، «لَا يَعْمَلُونَ»، «لَا يَعْصُونَ»، «لَا يَصْبِرُونَ»، «لَا يَشْعُرُونَ» و مانند آن هستند. آنگاه، برای مثال‌زدن از قوم‌های گمراه پیشین بیان می‌شود که همین مشخصات را داشته، عناد ورزیده، گمراه شده‌اند و به عذاب گرفتار آمدند. آغاز این داستان‌ها با جملات قالبی و عبارت‌های قراردادی «وَ إِذْ قَالَ ...»، «وَ أَذْكُر ...»، «أَلَمْ تَرَ ...» همراه است؛ پس در زمان گذشته روایی، تمثیل‌های داستانی نقل می‌شود. این کاربرد نشان از رواج قصه در زمان گذشته مخاطبان قوم دارد (نیز رک: حری، ۱۳۹۳، ص ۸۵):

– «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ ... (بقره/۳۰) / وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا ...» (بقره/۳۴)

– «[یا بنی اسرائیل] أَذْكُرُوا نِعْمَتِي ... (بقره/۴۰) / وَ إِذْ نَجَّيْنَكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ ... (بقره/۴۹) / وَ إِذْ وَعَدْنَا مُوسَى ... (بقره/۵۱) / وَ إِذْ آتَيْنَا مُوسَى ... (بقره/۵۳) / وَ إِذْ قُلْتُمْ ... (بقره/۶۱) / وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ ... (بقره/۵۴) / وَ إِذْ قُلْنَا أَدْخُلُوهُ هَذِهِ ... (بقره/۵۸) / وَ إِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَى لِقَوْمِهِ ... (بقره/۶۰) / وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى ... (بقره/۶۱) / وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ ... (بقره/۶۳، ۸۳) / وَ إِذْ قُلْتُمْ ... (بقره/۵۵) / وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ ... (بقره/۸۳) / وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ ... (بقره/۱۱) / وَ إِذْ يَبْتَليٰ إِبْرَاهِيمَ ... (بقره/۱۲۴) / وَ إِذْ جَعَلْنَا لِلْبَيْتِ ... (بقره/۱۲۵) / وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ ... (بقره/۱۲۶) / وَ إِذْ يَرْفَعُ

۱۳۵۶، ج ۱، ص ۶۵) و گفته‌اند برخی از مخالفان اسلام که از مواجهه منطقی و آوردن مثل قرآن عاجز ماندند، مثال‌های قرآن را بهانه قرار می‌دادند و می‌گفتند «شأن خدا برتر از آن است که به حیواناتی همچون مگس یا عنکبوت مثال بزند» (ثقفی تهرانی، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۶۵).

نقل قوانین دین مبین اسلام با الگوی مناظره‌ای و دوطرفه معلوم «قال/ قل/ یقولوا/ یقولون/ قالوا» یا یک‌طرفه مجهول، با عبارت «یَسْأَلُونَكَ» دنبال می‌شود: «قبله»، «محرمات»، «روزه»، «پیوند با زنان»، «هلال ماه» و «ایام سال»، «جنگ»، «حج»، «امت واحده»، «انفاق»، «جهاد»، «شراب و قمار»، «ازدواج»، «قسم»، «نماز»، «دین»، «صدقه»، «ربا» و «دین خدا» در این پیام وحی تشریح می‌شوند.

قطب مثبت مخاطبان سوره بقره یا افرادی مقدس مانند پیامبر اسلام (ص) و آدم (ع)، موسی (ع) و ابراهیم (ع) یا ملائکه و فرشتگان هستند که در داستان آدم (ع) حضور دارند. در موارد دیگر نیز مؤمنان هستند که «یازده بار» در این سوره مورد خطاب قرار داده شده‌اند: «یا ایها الذین آمنوا». گاهی نیز عامه مردم با «یا ایها الناس» طرف خطاب هستند. افعال عمدتاً امری هستند، گاهی نیز افعال التزامی متن خطابه را به پیش می‌برند. در تمثیل‌ها، افعال خبری هستند و در بیان احکام دین، افعال در قالب پرسش و پاسخ «یَسْأَلُونَكَ/ قل» میان پیامبر (ص) و خداوند بیان می‌شوند. در بیان قصص، نیز به مقتضای حال و مقام، مکالمه غیرمستقیم میان اشخاص داستانی یا پیامبر قوم با خداوند آورده می‌شود. تنها خطاب بندگان نسبت به خداوند دعایی است و با «ربنا» بیان می‌شود. لحن این بخش آرام است.

درباره سوره مبارکه نحل نیز وضعیت مشابه است؛ به این معنا که آغاز سوره با انذار از نزول «عذاب» الهی همراه است و پلایان آن نیز با وعده «عذاب» الهی در صورت آزاررساندن به پیامبر (ص) و پیروان وی است: «أتی أمر الله فلا تستعجلوه سبحانه و تعالی عما یشرکون» (۱) و «وإن

نتیجه هبوط انسان بیان می‌شود. در این مسیر، به انسان گفته می‌شود حاصل نفی امر الهی گمراهی است و عکس آن، هدایت. این قول در حق‌ستیزی (با موسی ع) و پیامبران خود و نیز پیامبر اسلام (ص) شرح داده می‌شود. پس، فریب‌خوردگان سحر و جادو در زمان سلیمان پیامبر (ع) معرفی شده‌اند و به فرستاده‌شدن هاروت و ماروت به زمین و ابتلای ایشان به آزمون‌های دشوار اشاره می‌شود.

نکته جالب توجه انتهای خطابه بزرگ سوره بقره است که باز هم با تأکید بر «عامل هدایت‌بودن» کتب آسمانی به پایان می‌رسد: «أَمِنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَكَاتِهِ وَ كُتُبِهِ وَ رَسُولِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» (بقره/۲۸۵).

در این سوره، به مناسبت‌های متعدد، هشت مثل نیز بیان شده است؛ تمثیل برافروزدگان آتش و خاموش‌شدن آن برای کافران (آیه ۱۷)، تمثیل مرعوبین از رعدوبرق برای کافران (آیه ۱۸)، تشبیه عملکرد کافران به مورد خطاب قرار دادن بدون هدف حیوان کروکور (آیه ۱۷۱)، تشبیه زنان به زمین کشاورزی (آیه ۲۲۳)، تمثیل شهری پرجمعیت که به امر خداوند مردند و سپس زنده شدند (آیه ۲۴۳)، تمثیل انفاق‌کننده در راه خدا به خوشه گندم (آیه ۲۶۱)، تمثیل باغ ایجادشده بر تپه و پربرکتی از باران (آیه ۲۶۵)، تمثیل رباخواران به افراد جن‌زده (آیه ۲۷۵).

محور این تمثیل‌ها مشابهت عمل انسانی به کردار طبیعت و اجزای آن (گیاهان و جانوران) و موارد دیگر است. در این میانه، در آیه ۲۶ سوره بقره است که به اعتراض مخالفان نسبت به مثال‌های خداوند در قرآن اشاره شده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضُهُ فَمَا فَوْقَهَا وَأَمَّا لِلَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ لَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا لِلَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا». اعتراض مخالفان به تمثیل‌های خطابی کلام وحی ناچیزشمردن اجزای برخی از تمثیل‌هاست، مانند حشرات. در این باره، برخی از مفسران، اعتراض مخالفان را به حشراتی همچون عنکبوت یا پشه [زنبور عسل یا مورچه] دانسته‌اند (ثقفی تهرانی،

عَاقِبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوْقِبْتُمْ» (۱۲۶). در این ساختار ریتوریکی نیز همان حرکت دایره‌ای تکرار می‌شود؛ «مقدمه» و «نتیجه» یکی است. در این سوره، ابتدا خطاب به عموم مردم، به نعمت‌های الهی اشاره می‌شود و در ادامه، خطاب به پیامبر (ص)، درباره امر «هدایت» و هدایت‌شوندگان و در تقابل با آنها، «گمراهان»، صحبت می‌شود؛ به این ترتیب، از عموم مخاطبان دعوت می‌شود از ساخت «لأنه زنبور عسل» درس بگیرند و از شهادی که در شکم دارد، عبرت بگیرند (نحل/۶۷-۶۹).

در این سوره، لحن عتاب‌آلود است، زیرا به طور مشخص از قطب شرک در برابر قطب ایمان و پاداش یا مجازات هر یک بحث شده است. روایت خطابه در این سوره هشت‌بخشی است و تنها قصه بیان‌شده در بخش تفکیک خطابه داستان ابراهیم (ع) است. در جمع‌بندی این خطابه، وظیفه پیامبر (ص) در برابر مشرکان مطرح شده است.

مخاطبان این سوره در وهله اول پیامبر (ص) و سپس به عامه مستمعان هستند. از آنجا که محتوای این سوره یادآوری نعمت‌هاست، بیان «خبری» است و به منظور یادآوری، از مردم سؤال پرسیده می‌شود که چرا به نعمت‌های الهی بی‌اعتنا هستند. در هر بخش که طرف خطاب پیامبر (ص) باشد، افعال خبری و سپس امری است.

در دیباچه سوره مبارکه نمل، بحث از قرآن به عنوان «کتاب هدایت» است. در پایان سوره نیز، از پیامبر (ص) خواسته شده است تا خود و کتاب قرآن را به عنوان مهم‌ترین ابزار هدایت‌گری بشری معرفی کند: «تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُبِينٍ، هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» (نمل/۱-۲) و «وَأَنْ أتلُوا الْقُرْآنَ فَمَنْ إهْتَدَىٰ فَأِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ» (نمل/۹۲). در ادامه، شیوه پیشینیان، در طی طریق هدایت یا گمراهی، در قالب قصه نقل شده است. در بخش روایت این خطابه، تسلیم در برابر دستورات الهی یا لجاجت، بطلان اندیشه کافران و

اتمام حجت خداوند بر ایشان بیان شده و در ادامه، تقسیم و تفکیک دو قطب انسان‌ها در برابر دین خدا در قالب قصص متعدد پیشینیان ارائه شده است.

مخاطب این سوره پیامبر (ص) است و از او دعوت می‌شود تا با یادآوری قوم پیامبران پیشین و حاصل گمراهی و هدایت ایشان، مسیر ابلاغ وحی را پایه‌گذاری کند.

سوره مبارکه عنکبوت با پرسش‌گری از عامه مردم در خصوص «صداقت» در ایمان‌آوردن آغاز می‌شود. انتهای سوره نیز انتقاد از «دروغ‌گویان» است؛ «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت/۲) و «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ» (عنکبوت/۶۷). اگرچه در این طرح‌سازی ابتدا و انتهای سوره، قانون تقابل به کار رفته است، بر همان مفهوم تأکید می‌کند. در طول این سوره، با عبارت قراردادی «قُلْ» نسبت به پیامبر (ص)، پرسش‌گری از آفریننده و هدایت‌کننده و نیز دعوت از پیامبر (ص) در توکل و صبر و معرفی راه هدایت مطرح است.

مخاطب سوره مبارکه عنکبوت پیامبر (ص) است و برای ایشان، ثواب و عقاب هدایت‌شوندگان و گمراهان حال و گذشته در مواجهه با دین حق شرح داده شده است. لحن این سوره گاه مناظره‌ای و گاه آرام و متین است. در سه بخش روایی خطابه این سوره، آزمون پیامبران و فرجام کار ایشان بیان شده و فرجام کار هر قوم برای عبرت ارائه شده است.

سوره مبارکه فیل بخشی مستقل و روایی از سرگذشت پیشینیان است. «أَلَمْ تَرَ»ی ابتدای سوره حکایت از خشم الهی در مواجهه با نبردکنندگان با خداوند دارد؛ از این رو، لحن عتاب‌آلود است. مقدمه‌ای درباره «هدایت یا گمراهی» در این سوره طرح نشده است؛ اما مثال گمراهان در عنادورزی با طریق هدایت بیان شده است. به نظر می‌رسد مخاطب این سوره عامه مردم هستند.

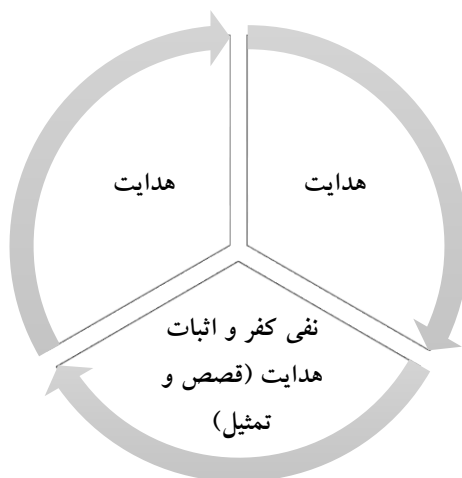
این ساختار ریتوریکی در بافت «هدایت» یا در بافت

تقابلی «هدایت/ گمراهی»، الگویی دارد که می‌توان آن را «کهکشانی» خواند. این الگو برخلاف آنچه در ساختار روایی محض وجود دارد، خطاب به سوم‌شخص نیست، بلکه مخاطب آن دوم‌شخص مفرد یا جمع است. در این ساختار، ابتدا «گزاره‌ای که موضوع بحث است»، ارائه می‌شود. در ادامه، «موضوع»‌هایی در بخش‌های جداگانه تشریح می‌شود. سپس، در راستای تحکیم بحث، به تمثیل‌ها یا قصه‌هایی اشاره می‌شود. تمثیل‌ها در زمان حال روایی هستند؛ اما قصه‌ها، با بازگشت به گذشته و در راستای عبرت‌گرفتن یا آموختن مخاطب، زمان گذشته روایی دارند. اگر بحث از اصول و فروع دین یا احکام خاص باشد، در قالب امر و نهی مستقیم، بدون بیان شواهد از قصص و تمثیل، دستورات بیان می‌شود. در پایان نیز، همان گزاره ابتدایی تکرار می‌شود که موضوع خطابه است.

در مجموع، آیات قرآنی تنها «بیان دین» نیستند، بلکه «بیان‌گر احساسات دینی» هستند؛ لذت ایمان‌آوردن و انجام عمل صالح و رسیدن به الگوی انسان کامل که دین مبین اسلام از طریق کلام وحی معرفی کرده است؛ همین بیان اعجاز‌آمیز است که آن را از بیان منظوم بشری یگانه می‌کند و پرستنده مؤمن را قادر به درک و فهم ایمان می‌کند؛ قدرتی برای ذهن مخاطب و گیرنده پیام. این نوع «خودشناسی» و «خداشناسی» و جهان‌بینی مربوط به زمان و مکانی خاص نیست و نوعی از گیرنده پیام را می‌سازد

که می‌توان آن را «کلان-مخاطب» خواند؛ فارغ از اینکه مخاطبی خاص و تاریخی را در زمان نزول کتاب مقدس قرآن در نظر بگیریم.

در چهار سوره مبارکه بقره، نحل، نمل و عنکبوت، بخش اول خطابه یا همان دیباچه در تأکید بر عامل هدایت‌بودن قرآن کریم است. بخش دوم نیز بیان اجمالی هدایت و گمراهی است که کوتاه است. بخش سوم بیان تمثیل و قصصی معمولاً از پیامبران پیشین مانند موسی، ابراهیم، سلیمان، طالوت، نوح، صالح و در موارد اندک، آدم ابوالبشر و عزیر مطرح است. این بخش با سه جزء دیگر خطابی، یعنی «تقسیم» و «تفکیک» و «اثبات» درآمیخته است. علت مشخص است؛ منطق خطابی دین «مقابله‌ای» است. این شیوه بیشتر در دل مخاطب نفوذ می‌کند؛ حس اعتلای معرفتی و اعتبار را به وجود می‌آورد و همین امر معنای دقیق «اقناع امر متعالی» است. ذات بشر و ساختار ذهنی او ایجاب می‌کند که امر آموختن «اشرف مخلوقات» او این‌چنین باشد. در این خصوص، سوره فیل استثنایی است که فقط بخش سوم خطاب را در خود دارد و سایر بخش‌های آن محذوف است. علت امر روشن‌بودن موضوع هدایت و در تقابل با آن، کفر، و تأکید بیش از پیش بر نابودی مشرکان و منکران است؛ از این رو، نیازی نیست که مقدمه و گزاره پایانی یا تقسیم و تفکیکی در آن آورده شود (شکل ۷).



شکل ۷- ساختار خطابی سور بقره، نحل، نمل و عنکبوت

۵- نتیجه‌گیری

در ساختار ریتوریکی سوره‌هایی که نام حیوانات (بقره، نحل، نمل، عنکبوت و فیل) دارند، عنوان سوره‌ها برگرفته از یک «قصه» یا «تمثیل» در همان سوره است. خطابه دارای ساختاری گسترده است که مخاطب آن عامه مردم یا پیامبر (ص) یا مؤمنان، جهادکنندگان و سایر گروه‌ها، یا در تقابل با آنان، منکران، کافران، مشرکان، عنادورزان، منافقان و مانند آنها، با هدف آموزش دادن، بیم‌دادن، بشارت‌دادن و آگاه‌کردن یا امر و نهی است.

«گزاره‌های آغازین و پایانی» سوره‌های مدنظر تأکیدی بر موضوع محوری خطابه هستند. در سوره‌های تحت بررسی، محور خطابه هدایت و گاه در تقابل با آن، گمراهی، است.

الگوی بزرگ این خطابه‌ها بافتی کهکشانی دارد؛ به این معنا که برای تفهیم موضوع به مخاطب، بخش‌های مستقل خطابه آورده شده‌اند و به مقتضای بحث و حال مخاطب، بخش‌هایی از قصص پیامبران پیشین بیان می‌شود، نه کل سرگذشت ایشان. به جز این، گاه تمثیل‌های جزئی و کوچکی که عناصر طبیعت در آن وجود دارد، به منظور تقریب‌به‌ذهن مخاطب بیان می‌شود. این شاه‌فرم بزرگ غیرروایی و خطابی است؛ فقط بخش تمثیل و قصص روایی است. نیز در بیشتر موارد، خطاب آن به پیامبر (ص) به عنوان حامل وحی است. بافت متن هر سوره به گونه‌ای است که می‌تواند گاه با حذف مقدمه و مؤخره و تمثیل یا هر کدام از این بخش‌ها همراه باشد و فقط در یک قصه خلاصه شود و مفهوم و موضوع را بیان کند؛ چنانکه در سوره مبارکه «فیل» دیده می‌شود. بررسی این ساختار شباهت پژوهشگران غیرمسلمان و نسل جوان را برطرف خواهد کرد.

اگر موضوع احکام دین باشد که چون‌وچرایی در آن نیست، امر و نهی در آن مستقیم است و بافت دستوری دارد؛ در این صورت، نیازی به بیان قصه یا تمثیل نیست؛ زیرا هدف آموزش امری به مخاطب ایمان‌آورنده است؛ چنانکه در بخش‌های سوم و پنجم سوره مبارکه بقره دیده

می‌شود. اگر هدف کلی «هدایت یا گمراهی» در مسیر دین خدا مطرح باشد، از ترکیب شیوه مستقیم امر و نهی به مخاطب و نیز شیوه غیرمستقیم بیان قصص و تمثیل‌ها یا بیان روایی آینده در خصوص وعده بهشت یا دوزخ یا عذاب الهی بهره می‌برد. در موارد اندک، به دلیل ایجاز و کوتاهی سوره، از گزاره‌های ابتدایی و پایانی در موضوع محوری امتناع ورزیده و مستقیماً برای هدایت، با توجه به حال مخاطب، فقط قصه پیشینیان بیان می‌شود، مانند آنچه در سوره مبارکه فیل دیده می‌شود. مخاطبان کلام وحی نیز کلان-مخاطبانی فرازمانی و فرامکانی هستند.

منابع

- قرآن کریم. (۱۳۹۰). (بهالالدین خرمشاهی، مترجم، چاپ هفتم). تهران: انتشارات دوستان.
- ابوزهره، محمد. (۱۹۳۴م). *الخطابه و اصولها و تاریخها فی أزهرة عصورها عند العرب*. قاهره: مطبعة العلوم.
- احمدی، محمد. (۱۳۹۶). ماهیت نقد ریتوریکی و اهمیت آن در مطالعات ادبی. *مجله دوفصلنامه علمی-پژوهشی بلاغت کاربردی و نقد بلاغی*، ۲ (۳)، ۷۸-۷۳.
- <https://doi.org/10.22124/naqd.2017.2529>
- ارسطو. (۱۳۹۲). *خطابه* (اسماعیل سعادت، مترجم). تهران: هرمس.
- الیاذه، میرچا. (۱۴۰۲). *رساله‌ای در تاریخ ادیان* (جلال ستاری، مترجم). تهران: سروش.
- تفضلی، احمد. (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات پیش از اسلام* (به کوشش ژاله آموزگار، چاپ سوم). تهران: سخن.
- ثقفی تهرانی، محمد. (۱۳۵۶). *تفسیر روان جاوید* (۵ جلد). تهران: انتشارات برهان.
- حری، ابوالفضل. (۱۳۸۵). قرآن به مثابه اثری ادبی. *مجله اندیشه دینی*، ۱۹، ۷۱-۹۰.
- <https://www.ensani.ir/fa/article/143122>
- حری، ابوالفضل. (۱۳۹۳). *کلیک خیال‌انگیز (بوطیقای ادبیات و همناک، کرامات و معجزات)*. تهران: نشر نی.
- حسینیان، محمدعلی. (۱۳۹۲). *مبانی نظری خطابه*.

<https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20080360.1389.3.9.9.5>

گمپرتس، تئودور. (۱۳۷۵). *متفکران یونانی* (محمدحسن لطفی، مترجم). تهران: انتشارات خوارزمی.
مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه* (جلد ۱۱ و ۱۶). قم: دار الکتب الاسلامیه.
مکاریک، ایرناریما. (۱۳۹۰). *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر* (مهران مهاجر و محمد نبوی، مترجمان). تهران: آگه.

معرفت، محمد هادی. (۱۳۹۴). *علوم قرآنی* (چاپ چهاردهم). تهران: سمت.
معموری، علی. (۱۳۹۲). *تحلیل ساختار روایت در قرآن*. تهران: نگاه معاصر.
میر، مستنصر. (۱۳۸۶). *خاستگاه هنر در دین: ویژگی‌ها و مؤلفه‌های زبانی قرآن کریم* (ابوالفضل حری، مترجم). *مجله زیباشناخت*، ۱۶، ۳۲۱-۳۶۴.

<https://quran.isca.ac.ir/fa/Article/Detail/11863>

نظری منفرد، علی. (۱۳۸۸). *فن خطابه*. تهران: هاجر.
هاشمی، احمد. (۱۳۸۶). *جواهر البلاغه* (چاپ پنجم). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

References

- Holy Quran. (2018). (B. Khorramshahi, Trans., 7th ed.). Tehran: Doostan. [In Arabic & Persian]
Abbasi, S. (2014). *A boutique of long Persian folk tales (common romance)*. Tehran: Roozer. [In Persian]
Abrams, M. H., & Calt Harpham, G. (2012). *A glossary of literary terms*. United States of America: Wadsworth.
Abu Zahra, M. (1934). *Al-Khataba and principles and dates in the Azhar of the ages among the Arabs*. Cairo: Science Press. [In Arabic]
Ahmadi, M. (1976). The nature of rhetorical criticism and its importance in literary studies. *Bi-Quarterly Scientific-Research Journal of Applied Rhetoric and Rhetorical Criticism*, 2(3), 78-73.
<https://doi.org/10.22124/naqd.2017.2529> [In

تهران: اساتید ایران.

- خامه‌گر، محمد. (۱۳۹۲). *ساختار هندسی سوره‌های قرآن کریم* (تهیه شده توسط مؤسسه فرهنگی قرآن و عترت نورالثقلین). قم: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
خامه‌گر، محمد. (۱۳۹۸). *تفسیر ساختاری قرآن کریم* (چاپ ششم). تهران: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
خرم‌شاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*. تهران: دوستان - ناهید.
دیکسون، پیت. (۱۳۸۹). *خطابه* (حسن افشار، مترجم). تهران: مرکز.
ذکاوتی قراگزلو، علیرضا. (۱۳۹۸). *تمدن اسلامی در قرن ۴ ه.ق.* (چاپ ششم). تهران: امیرکبیر.
ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۱). *مدخل ادبیات داستانی عامیانه*. *مندرچ در دانشنامه فرهنگ مردم ایران* (جلد ۱، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی). تهران: انتشارات مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
زرکشی، بدرالدین محمدبن عبدالله. (۱۴۱۰ق). *البرهان فی علوم القرآن*. بیروت: دارالفکر.
سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن. (۱۳۹۲). *الایقان فی علوم القرآن* (چاپ دهم). تهران: امیرکبیر.
شمیسا، سیروس. (۱۳۸۹). *معانی*. تهران: میترا.
صفوی، کورش. (۱۳۹۰). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. تهران: سوره مهر.
طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
عباسی، سکینه. (۱۳۹۴). *بوطیقای قصه‌های بلند عامیانه فارسی (رومانس عام)*. تهران: نشر روزگار.
فرای، نورترپ. (۱۳۷۷). *تحلیل نقد* (صالح حسینی، مترجم). تهران: نیلوفر.
کرد زعفرانلو، عالیه، حاجیان، خدیجه، و حاجیان، خدیجه. (۱۳۸۹). *استعاره‌های جهتی قرآن با رویکرد شناختی*. *مجله نقد ادبی*، ۳(۳)، ۱۱۶-۱۳۹.

- Makarem Shirazi, N., & others. (1995). *Tafsir e-Nammoone* (Vols. 11 & 16). Qom: Dar al-Kutb al-Islamiyya. [In Persian]
- Ma'amouri, A. (2013). *Analysis of the narrative structure in the Quran*. Tehran: Negah Maaser. [In Persian]
- Marefat, M. H. (2014). *Quranic sciences* (14th ed.). Tehran: Samt. [In Persian]
- McCarrick, I. (2018). *Encyclopedia of contemporary literary theories* (M. Mohajer & M. Nabavi, Trans.). Tehran: Agah. [In Persian]
- Mir, M. (2006). The origin of art in religion: Linguistic features and components of the Holy Quran (A. Horri, Trans.). *Ziba Shentakht Magazine*, 16, 321-364. <https://quran.isca.ac.ir/fa/Article/Detail/11863> [In Persian]
- Nazari Monfared, A. (2009). *The art of oratory*. Tehran: Hajar. [In Persian]
- Richards, J. (2008). *Rhetoric*. London & New York: Routledge.
- Safavi, K. (2018). *From linguistics to literature*. Tehran: Sureh Mehr. [In Persian]
- Shamisa, C. (2010). *Maani*. Tehran: Mitra. [In Persian]
- Soyuti, J. A. R. (2012). *Proficiency in the sciences of the Qur'an* (10th ed.). Tehran: Amirkabir. [In Arabic]
- Tabatabaei, M. H. (1970). *Al-mizan in tafsir al-Qur'an*. Beirut: Al-Alami Institute for Press. [In Arabic]
- Tafazzoli, A. (1999). *History of pre-Islamic literature* (By the effort of J. Amoozgar, 3rd ed.). Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Thaghafi Tehrani, M. (1997). *Tafsir e Ravan Javid* (5 Vols.). Tehran: Burhan. [In Arabic]
- Vickers, B. (1988). *In defence of rhetoric*. London: Oxford University Press.
- Zarkashi, B. (1990). *Al-Burhan fi Uloom al-Quran*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Zakavati Gharagozlou, A. (2018). *Islamic civilization in the 4th century A.H.* (6th ed.). Tehran: Amirkabir. [In Persian]
- Zulfiqari, H. (2013). Introduction to folk fiction. Included in *The Encyclopedia of Iranian people's culture* (C1, under the supervision of K. Mousavi Bojnardi). Tehran: Publications of the Center for the Great Islamic Encyclopedia. [In Persian]
- Persian]
- Aristotle. (2012). *Speech* (I. Saadat, Trans.). Tehran: Hermes. [In Persian]
- Corbett, E. J. (1969). *Rhetorical analyses of literary works*. New York: Oxford University.
- Dundes, A. (2003). *Fabulous of the ancients? Folklore in the Quran*. Rowman, INC.
- Dixon, P. (2010). *Speech* (H. Afshar, Trans.). Tehran: Markaz. [In Persian]
- Eliade, M. (2023). *A treatise on the history of religions* (J. Sattari, Trans.). Tehran: Soroush. [In Persian]
- Fry, N. (1998). *Critical analysis* (S. Hosseini, Trans.). Tehran: Nilufar. [In Persian]
- Gumperts, Th. (1996). *Greek thinkers* (M. H. Lotfi, Trans.). Tehran: Kharazmi. [In Persian]
- Hashemi, A. (2007). *Jawaher al-Balagha* (5th ed.). Qom: Qom Seminary Management Center. [In Arabic]
- Horri, A. (2006). The Quran as a literary work. *Journal of Religious Thought*, 19, 71-90. <https://www.ensani.ir/fa/article/143122> [In Persian]
- Horri, A. (2013). *Imaginary trickery (boutique of horrible literature, virtues, and miracles)*. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Khorramshahi, B. (1998). *Encyclopedia of the Qur'an and Qur'anic studies*. Tehran: Dustan – Nahid. [In Persian]
- Hosseinian, M. A. (2013). *Theoretical foundations of oratory*. Tehran: Asatid Iran. [In Persian]
- Kord Zafaranloo, A., Hajian, Kh., & Hajian, Kh. (2010). Directional metaphors of the Quran with a cognitive approach. *Journal of Literary Criticism*, 3(3), 116-139. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20080360.1389.3.9.9.5> [In Persian]
- Khamegar, M. (2012). *The geometrical structure of the Surahs of the Holy Quran* (Preparation by the Qur'an and Etrat Noor al-Saqlain Cultural Institute). Qom: International Publishing Company. [In Persian]
- Khamehgar, M. (2019). *Structural interpretation of the Holy Quran* (6th ed.). Tehran: Howza and University Research Institute. [In Persian]

¹ Logos

² Rhetorica

³ Slime

در این الگوی روایی، پردازنده به خاطر تقریب مفاهیم و موضوعها به ذهن مخاطب، داستان‌هایی را در دل داستان اصلی بیان می‌کند (نیز بنگرید به: ذوالفقاری، ۱۳۹۱، ص ۳۲۴).

⁴ Dundes

^۵ سه‌گونه اقتناع منطقی، اخلاقی و عاطفی برای خطابه در نظر گرفته شده‌اند و استدلال‌های اقتناع یا هنری هستند یا غیرهنری (Vickers, 1988, p. 34).

^۶ اسامی حشرات و حیواناتی که سور قرآن با آن نام‌گذاری شده‌اند، همگی مؤثت هستند.

⁷ Master Form

^۸ گاو بنی‌اسرائیل، گاو ماده‌ای است که به دستور خداوند، برای زنده کردن فردی از بنی‌اسرائیل ذبح شد که درباره قاتل او اختلاف شده بود. به دستور خدا، بخشی از آن را بر جنازه مقتول زدند، او زنده شد و قاتل خود را معرفی کرد. قرآن این داستان را نشانه معاد دانسته است. این ماجرا نمونه‌ای از بهلنه‌جویی‌های بنی‌اسرائیل است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۱۹۹).

⁹ Ozair

^{۱۰} وجود ساختارها به خاطر تقریب به ذهن انسان است؛ زیرا مخاطب کلام وحی انسان است و کتاب برای هدایت نوع بشر نازل شده است.
